

آموزش الگوهای صحیح استناددهی در تولیدات علمی نویسندگان برتر دانشگاه‌های علوم پزشکی ایران در سال ۲۰۱۷

سید عابدین حسینی آهنگری*: دانشجوی دکتری، گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

ثریا ضیائی: عضو هیأت علمی، گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

فرامرز سهیلی: عضو هیأت علمی، گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

افشین موسوی چلک: عضو هیأت علمی، گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

چکیده: این پژوهش با هدف آموزش الگوهای صحیح استناددهی در تولیدات علمی نویسندگان برتر دانشگاه‌های علوم پزشکی ایران در سال ۲۰۱۷ با توجه به ارتباط میان متغیرهای سطح رشد اخلاقی و خودکنترلی با الگوی "استناد به همکاران" در مقالات نویسندگان برتر دانشگاه‌های علوم پزشکی ایران در سال ۲۰۱۷ انجام شده است. پژوهش حاضر از نوع مطالعات کاربردی علم‌سنجی و همبستگی (ارایه مدل) است. جامعه مورد بررسی کلیه اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های علوم پزشکی ایران با شاخص اچ ۱۰ و بالاتر بودند. حجم نمونه به روش نمونه‌گیری تصادفی نظام‌مند ۱۳۰ نفر تعیین شد. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نسخه ۱۶ نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که متغیر سطح رشد اخلاقی با الگوی استناد به همکاران دارای ارتباط معنادار است اما متغیر خودکنترلی با الگوی مورد نظر ارتباط معنادار ندارد. همچنین یافته‌ها بیانگر معنادار بودن مدل رگرسیون است. ضریب تعیین رابطه برابر ۰/۲۳۶ و نسبت F برابر ۱۶/۵۲۱ است که در سطح $p < 0/001$ معنادار است. از میان متغیرهای سطح رشد اخلاقی و خودکنترلی تنها عامل سطح رشد اخلاقی ($\beta = -9/031, p < 0/001$) از قدرت پیش‌بینی معنادار برخوردار است و متغیر خودکنترلی نمی‌تواند به عنوان عامل پیش‌بین الگوی استناد به همکاران در نظر گرفته شود. به بیان دیگر بخشی از استناد به مقالات همکاران نویسندگان تحت تأثیر فشارهای اجتماعی تعیین می‌شود. با توجه به نتایج به‌دست آمده آموزش پرهیز از استناد به مقالات نویسندگان همکار مقاله تا حد امکان می‌تواند به تقویت شاخص‌های استناد منجر شود.

واژگان کلیدی: رفتار استنادی، خودکنترلی، رشد اخلاقی.

***نویسنده‌ی مسئول:** دانشجوی دکتری، گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

Email: hoseini.abed@gmail.com

مقدمه

رفتار استنادی معانی بسیاری دارد (گارفیلد، ۱۹۸۹). در استفاده از منابع برای نگارش مقالات، معمولاً رفتارهایی بروز می‌کند که اصطلاحاً به آنها رفتار استنادی اطلاق می‌کنند و شامل چگونگی استفاده از منابع، نوع تأکید بر مواد خاص، تکرار کاربرد برخی منابع، گرایش به متونی که به زبانی خاص منتشر شده، مواردی از این نوع است (حری، ۱۳۸۱). از زمانی که اولین مقاله علمی (گراس) تعداد استنادهای دریافتی را به عنوان شاخص اهمیت آثار علمی مورد توجه قرار داد، تاکنون حدود هشت دهه می‌گذرد، و امروزه این شاخص یکی از مهمترین شاخص‌ها برای ارزیابی مقالات محسوب می‌شود. (ابراهیمی، ۱۳۸۶) با توجه به اینکه بسیاری از پژوهشگران شاخص‌های استنادی را شاخص‌هایی مناسب برای ارزیابی مقالات علمی محسوب می‌کنند. علی‌رغم همبستگی این مقیاس‌ها با عواملی همچون دریافت جوایز نوبل، شهرت سازمانی و رتبه علمی پژوهشگران (ون ران، ۲۰۰۴)، و همچنین با توجه به کاربرد گسترده آنها در سیاست‌گذاری‌های ملی و بین‌المللی، برخی از منتقدان هنوز با دیده شک و تردید به این شاخص‌ها می‌نگرند و آنها را برای انعکاس تأثیر فعالیت‌های علمی ناکافی می‌دانند. دلیلی که این گروه بر آن اتفاق نظر دارند این است که فرایند مستند واقع شدن انتشارات علمی فرایندی پیچیده است و تحت تأثیر عوامل زیادی قرار دارد (وولگار، ۱۹۹۱، نقل از ابراهیمی، ۱۳۸۶). برجستگی نویسنده، برجستگی مجله (شادیش و همکاران، ۱۹۹۵؛ بویاک و کلاوانز، ۲۰۰۵؛ والترز، ۲۰۰۶؛ هاسلم، ۲۰۰۸)، برجستگی مقاله از نظر استنادات دریافتی (وینکلر، ۱۹۸۷) و تعدد نویسنندگان همکار (بیور، ۲۰۰۴) نیز از دلایل اجتماعی دیگری هستند که انگیزه‌های استنادی نویسندگان را شکل می‌دهند. صاحب‌نظران این حوزه در زمینه این انگیزه‌های متضاد نظریات متفاوتی دارند. مرتون نظام بهنجار داخلی درون علم و چگونگی اطمینان از ترویج دانش معتبر علی‌رغم وجود فشارهای بیرونی را بررسی می‌کند، در حالی که کرونین ویژگی و ترکیب فهرست استنادات را بازتابی از شخصیت نویسنندگان و شرایط محیط حرفه‌ای می‌داند. (کرونین، ۱۹۸۴). بورنمن و

همکاران (۲۰۰۸)، نیز معتقدند که، انگیزه‌های استناد در مجامع علمی، فقط مبتنی بر تأثیرات شناختی و منطقی همتایان علمی نیست، بلکه در بعضی موارد مبتنی بر دلایلی کاملاً غیرعلمی و یا دلایلی اجتماعی است. در این پژوهش سعی بر این است تا این دلایل و انگیزه‌های غیرعلمی و یا اجتماعی در چارچوب دو متغیر سطح رشد اخلاقی و خودکنترلی مورد بررسی قرار گیرد. خودکنترلی نوعی مراقبت درونی است که بر اساس آن، وظایف اجرا و رفتارهای ناهنجار و غیرقانونی بدون آنکه نظارت یا کنترل خارجی در بین باشد، ترک می‌شود؛ بدین معنی که فرد بدون توجه به کنترل خارجی تلاش خود را برای کاری صرف کند که به عهده او گذاشته شده و مرتکب موارد نادرستی از قبیل خیانت، کم کاری و سهل‌انگاری نگردد (الوانی، ۱۳۸۲). از فرضیه‌های مهمی که این پژوهش قصد دارد در این خصوص مطرح نماید، فرضیه تأثیرپذیری رفتارها و انگیزه‌های استناددهی نویسندگان بر تر حوزه علوم پزشکی ایران از عوامل سطح رشد اخلاقی و توانایی فرد در خودکنترلی است. رفتارهای غلط در فرایند استناددهی از قبیل استناد به همکاران باعث می‌شود، پژوهشگران این حوزه با دیده شک و تردید به پیش‌فرض‌های دیدگاه رفتار صحیح استنادی بنگرند و اعتبار ارزیابی‌های تحلیل استنادی را مورد سؤال قرار می‌دهد. در واقع پژوهشگران انگیزه‌های استنادی پیچیده‌ای دارند که بسته به محیط عملی و منطقی و تحت تأثیر مسائل شناختی آنها ساختار می‌یابد. حال با توجه به مطالب مطرح شده فوق و نظر به اینکه این رفتارها آموزش‌پذیر هستند این سؤال مطرح می‌شود که از بعد روانشناختی چه عواملی موجب بروز انگیزه‌های متفاوت خصوصاً انگیزه‌های روانشناختی در فرایند استناددهی نویسندگان می‌شوند؟ به بیان دیگر انگیزه‌های استناددهی نویسندگان در ابعاد گوناگون را چگونه می‌توان تبیین نمود؟ بلیس کرونین از جمله نظریه‌پردازانی است که بر توانایی‌های بالقوه رویکرد روان‌شناختی در مطالعه استناد و ارجاع، به‌خصوص بررسی ارتباط بین شیوه شناختی، خودپنداره و شخصیت فرد تأکید کرده است. البته لازم به ذکر است فرایند استناددهی فرایندی منطبق بر روانشناسی اجتماعی است و تحت

است. در بخش اول مطالعه از پرسشنامه‌های DIT و - خودکنترلی تانجی (فرم کوتاه) به ترتیب برای اندازه‌گیری سطح رشد اخلاقی و خودکنترلی استفاده شده است. بخش دوم مطالعه به روش تحلیل استنادی انجام شد، به طوری که دو مقاله از هر کدام از اعضای گروه نمونه به روش تحلیل استنادی مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین محقق در این پژوهش به دنبال تأیید فرضیه "قدرت پیش‌بینی الگوی استناد به همکاران در نویسندگان برتر حوزه علوم پزشکی ایران توسط متغیرهای سطح رشد اخلاقی و خودکنترلی" است. جامعه مورد بررسی در بخش اول این پژوهش، شامل کلیه نویسندگانی است که در سال ۲۰۱۷ در پایگاه استنادی اسکاپوس دارای شاخص اچ ۱۰ و بالاتر بودند (تعداد ۸۹۳ نفر). معیارهای انتخاب مقالات نویسندگان نیز، علاوه بر مسؤلیت نویسنده، جدیدترین مقالات آنها بوده است (با توجه به تأثیرگذاری این امر بر نمره استناد به همکاران) ۲ مقاله اخیر پژوهشگر به عنوان معیار در نظر گرفته شد. نمونه‌گیری پژوهش به روش تصادفی نظام‌مند با استفاده از فرمول $n=104+m$ و پیشینه مطالعه، ۱۳۰ نفر تعیین گردید. حجم نمونه بر مبنای روش آماری تحقیق که رگرسیون و همبستگی است، انتخاب شده است. هومن (۱۳۸۴) پیشنهاد می‌نماید که حجم گروه نمونه در مطالعات رگرسیون و همبستگی دست کم ۱۰۰ نفر باشد (لیندمن و همکاران، ۱۹۸۰، نقل در هومن، ۱۳۸۴). با توجه به نظرات صاحب‌نظران در این خصوص حجم نمونه ۱۳۰ نفری برای این پژوهش در نظر گرفته شد. تحقیقات مشابه این پژوهش با نمونه‌هایی محدودتر انجام شده است. به عنوان مثال دونالد کیس و همکاران (۲۰۱۱) نیز در پژوهش خود در بررسی انگیزه‌های استناددهی نویسندگان حوزه کتابسنجی، ۶ مقاله پراستناد را معیار و نویسندگانی را که به این مقالات استناد نموده بودند از نظر انگیزه استناد مورد پژوهش قرار دادند. تعداد نویسندگان مورد بررسی ۱۰۲ نفر بودند. ابزار گردآوری داده‌های پژوهش، پرسشنامه‌های DIT و فرم کوتاه خودکنترلی تانجی بود. حجم نمونه در این مرحله ۲۲۰ مقاله تعیین گردید (۲ مقاله برای هر نویسنده). انتخاب دو مقاله برای هر فرد، بر مبنای پیشینه تحقیقات رفتار استنادی بوده است. در مطالعات گذشته انگیزه‌ها و رفتارهای استنادی

تأثیر ویژگی‌های شخصیتی و میل به رفتار به هنجار در جامعه قرار دارد و به احتمال زیاد بر مبنای یک دلیل واحد صورت نمی‌گیرد (بورنمن و همکاران، ۲۰۰۸). سطح رشد اخلاقی و توانایی افراد در خودکنترلی می‌تواند به عنوان عوامل تعیین‌کننده در الگوی استناددهی نویسندگان و اعتبار بخشی به مطالعات حوزه تحلیل استنادی مورد بررسی قرار گیرد. این پژوهش با سنجش اهمیت دو شاخص سطح رشد اخلاقی و ویژگی خودکنترلی در میان نویسندگان برتر علوم پزشکی ایران و ارتباط احتمالی آن با الگوی استناد به همکاران به بررسی وضعیت موجود می‌پردازد. هدف از انجام این پژوهش، مطالعه سطح رشد اخلاقی و خودکنترلی با الگوی رفتار استناد به همکاران در نویسندگان برتر حوزه علوم پزشکی ایران با نگاهی ویژه به آموزش الگوهای صحیح استناددهی در تولیدات علمی این نویسندگان است. از آنجا که الگوهای رفتار استنادی نوعی رفتار آموزش‌پذیر بوده و با تکامل سیر شناختی فرد حین آموزش امکان اصلاح آن وجود دارد، هدف از انجام این پژوهش بررسی رفتار استناد به همکاران در نویسندگان برتر حوزه علوم پزشکی ایران بر مبنای دو متغیر سطح رشد اخلاقی و خودکنترلی است و می‌تواند در راستای تدوین سیاست‌های آموزشی و پژوهشی در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ایران مفید باشد و راهکارهای متناسبی ارائه نماید. تعیین شدت و نوع رابطه سطح رشد اخلاقی و خودکنترلی با الگوی استناد به همکاران در نویسندگان برتر حوزه علوم پزشکی ایران می‌تواند به ارائه مدلی پیشنهادی از روابط بین متغیرهای فوق در راستای تبیین رفتار استناد به همکاران در نویسندگان و راهکارهای مناسبی برای جلوگیری از انحراف در آن منتهی شود.

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر با توجه به بررسی رابطه بین متغیرهای دو حوزه علم سنجی و روانشناسی اجتماعی از نوع کاربردی است. در این پژوهش، جهت آزمون فرضیه پژوهش، مطالعه در دو بخش مجزا انجام گرفته

بار به مقالات قبلی همکاران مشارکت کننده در متن مقاله مورد بررسی استناد کرده‌اند. کمترین تعداد استناد به مقالات همکاران نویسنده ۰ و بیشترین تعداد ۲۸/۵۰ می‌باشد. جدول ۱ به ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش اختصاص دارد. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود ضرایب همبستگی متغیر ملاک (الگوی استناد به همکاران) با متغیر پیش‌بین (سطح رشد اخلاقی) معنادار بوده‌اند. متغیر سطح رشد اخلاقی با الگوی استناد به همکاران دارای ارتباط معنادار است اما متغیر خودکنترلی با الگوی مورد نظر ارتباط معنادار ندارد.

جدول ۱: ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیر	۱	۲	۳
خودکنترلی	۱		
سطح رشد اخلاقی	-۰,۰۲	۱	
الگوی استناد به مقالات همکاران	-۰,۰۶۳	-۰,۴۸۰*	۱

یافته‌های این بخش از تحلیل رگرسیون بر مبنای روش ورود، بیانگر معنادار بودن مدل رگرسیون است. همان‌گونه که جدول ۲ نشان می‌دهد، ضریب تعیین رابطه برابر ۰/۲۳۶ و نسبت F برابر ۱۶/۵۲۱ است که در سطح $p < 0/001$ معنادار است.

جدول ۲: نتایج رگرسیون چندگانه بین متغیرهای سطح رشد اخلاقی و خودکنترلی به عنوان متغیرهای پیش‌بین و الگوی استناد به همکاران به عنوان متغیر ملاک به روش ورود

متغیر ملاک	شاخص آماری پیش‌بین	ضریب تعیین RS	نسبت F احتمال p	ضرایب رگرسیون		دورین واتسون
				۱	۲	
سطح رشد اخلاقی (۱)	۰/۲۳۶	۰/۰۰۱۶<	۱۶/۵۲۱=	-۹/۰۳۱ □=	-۰/۰۷۰ □=	۲/۱۵۸
				-۵/۶۹۹=	-۰/۸۶۱=	
				-۰/۰۰۱۶<	-۰/۳۹۱=	

در مدل رگرسیون به روش ورود، از میان متغیرهای سطح رشد اخلاقی و خودکنترلی تنها عامل سطح رشد اخلاقی ($p < 0/001$, $\beta = -9/031$) از قدرت پیش‌بینی معنادار برخوردار است و متغیر خودکنترلی نمی‌تواند به

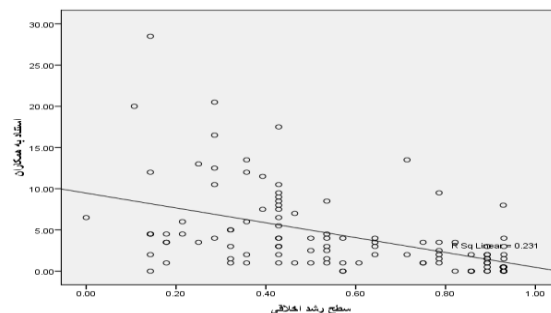
نویسندگان، معمولاً یک یا دو مقاله از نویسندگان معیار بررسی قرار گرفته‌اند. وینکلر (۱۹۸۷)، در پژوهش خود در رابطه با بررسی انگیزه‌های استنادی ۲۰ نویسنده حوزه شیمی، ۲۰ مقاله را مورد بررسی قرار داد (هر نویسنده یک مقاله و در مجموع ۴۸۴ استناد). پس از انتخاب هدفمند ۲۲۰ مقاله از مقالات افراد مورد بررسی، کلیه ارجاعات مقالات مورد نظر جهت استخراج متغیرهای بخش دوم مطالعه مورد تحلیل استنادی قرار گرفتند. مقالات مورد بررسی جمعاً ۸۸۸۲ ارجاع داشتند (میانگین ارجاعات (References) هر مقاله ۴۰/۴ ارجاع). داده‌های جمع‌آوری شده طی بخش‌های اول و دوم مطالعه، با استفاده از نسخه ۱۶ نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. جهت انجام تحلیل و آزمون فرضیه‌های پژوهش از روش همبستگی پیرسون و رگرسیون استفاده شد. تحلیل‌های رگرسیون بر مبنای روش همزمان انجام شده است.

یافته‌ها

با توجه به یافته‌های این پژوهش جنسیت ۸۲/۷ درصد از پاسخگویان به پرسشنامه، مرد و ۱۷/۳ درصد زن بود. ۲۰ نفر (۱۶/۶) درصد از افراد نیز علاوه بر پی‌گیری مکرر در این مورد پاسخی ندادند. از نظر مرتبه علمی، ۲ نفر (۱/۸) درصد از شرکت‌کنندگان مری، ۲۱ نفر (۱۹/۱) درصد استادیار، ۳۷ نفر (۳۳/۶) درصد دانشیار، و ۵۰ نفر (۴۵/۵) درصد نیز دارای رتبه استادی بوده‌اند. با توجه به یافته‌های پژوهش، میانگین نمره خودکنترلی در نمونه‌های مورد بررسی $5/19 \pm$ و $5/54 \pm$ می‌باشد که حداقل نمره به دست آمده ۳۴ و حداکثر آن ۶۵ می‌باشد. لازم به ذکر است که حداقل و حداکثر نمره قابل اکتساب در پرسشنامه مذکور به ترتیب ۱۳ الی ۶۵ می‌باشد. همچنین میانگین نمره سطح رشد اخلاقی در نمونه‌های مورد بررسی $0/27 \pm$ و $0/55 \pm$ می‌باشد که حداقل نمره به دست آمده ۰ و حداکثر آن ۹۳ می‌باشد. با توجه به نحوه نمره‌گذاری پرسشنامه سطح رشد اخلاقی (DIT)، حداقل و حداکثر نمره قابل اکتساب به ترتیب ۰ تا $0/95$ می‌باشد که نمره ۰ تا $0/55$ سطح رشد اخلاقی پایین و $0/55$ تا $0/95$ سطح رشد اخلاقی بالا تلقی می‌شوند. نویسندگان مورد بررسی به طور میانگین $4/48 \pm 5/02$

متغیرهای سطح رشد اخلاقی و خودکنترلی تنها عامل مطرح شده است. همانطور که در نمودار (۱) مشاهده می‌شود، متغیر سطح رشد اخلاقی در تعیین مقادیر مختلف متغیر استناد به همکاران دخالت دارد. هر گاه این سؤال مطرح شود که به ازای چه مقدار افزایش در عامل سطح رشد اخلاقی، شاهد افزایش استناد به همکاران خواهیم بود، آنگاه از طریق معادله خط رگرسیون به این سؤال می‌توان پاسخ داد.

عنوان عامل پیش‌بین الگوی استناد به همکاران در نظر گرفته شود. همانطور که در نمودار (۱) مشاهده می‌شود، متغیر سطح رشد اخلاقی در تعیین مقادیر مختلف متغیر استناد به همکاران دخالت دارد. هر گاه این سؤال مطرح شود که به ازای چه مقدار افزایش در عامل سطح رشد اخلاقی، شاهد افزایش استناد به همکاران خواهیم بود، آنگاه از طریق معادله خط رگرسیون به این سؤال می‌توان پاسخ داد.



نمودار ۱: مدل ارتباطی الگوی استناد به همکاران با سطح رشد اخلاقی

معادله رگرسیون: در رابطه با پیش‌بینی مدل رفتاری استناد به همکاران بر مبنای متغیر سطح رشد اخلاقی معادله‌ای به شکل زیر قابل ارائه است:

$$Y = \alpha + \beta X$$

$$Y = 13/0.38 - 9/0.31(X)$$

همان‌گونه که اجزای معادله خط رگرسیون نشان می‌دهد، مقدار استناد به همکاران (Y) را از طریق مقادیر سطح رشد اخلاقی (X) می‌توان پیش‌بینی نمود. مقدار منفی β نشانگر رابطه معکوس این دو متغیر است. در این معادله مقدار α (یا عرض از مبدأ) همیشه ثابت است و برابر ۱۳/۰۳۸ می‌باشد. این مقدار از نتایج تحلیل‌های رگرسیون بدست آمده است. مقدار β به عنوان ضریب X نیز ۹/۰۳۱- است. در نهایت با استفاده از مقادیر ثابت β و α و همچنین قرار دادن مقادیر X (نمره سطح رشد اخلاقی) در معادله می‌توان مقادیر Y (میزان استناد به همکاران) را بدست آورد. یافته‌های تحلیلی و نهایی پژوهش نشان می‌دهند که تحلیل رگرسیون بر مبنای روش ورود، بیانگر معنادار بودن مدل رگرسیون است. ضریب تعیین رابطه برابر ۰/۲۳۶ است و بیانگر این است که مدل برازش شده ۲۳/۶ درصد از متغیر "استناد به مقالات همکاران نویسنده" را تبیین می‌کند. در مدل رگرسیون به روش ورود، از میان

نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش مبین آن است که بین متغیر سطح رشد اخلاقی با الگوی استناد به مقالات همکاران همبستگی خطی معنادار و معکوس وجود دارد یعنی با افزایش سطح رشد اخلاقی میزان استناد به مقالات همکاران کاهش می‌یابد. علاوه بر این، یافته‌های پژوهش مبین آن است که بین متغیر خودکنترلی و الگوی استناد به مقالات همکاران همبستگی خطی معناداری وجود ندارد. طی دهه‌های گذشته دو نظریه رقیب در خصوص رفتارهای استنادی ارائه شده است. نظریه هنجاری رفتار استنادی که توسط روبرت کی مرتون، ارائه شده است، اساساً بر این نکته تأکید دارد که دانشمندان از طریق استناد به آثار همکاران علمی خود، به آن افراد اعتبار می‌دهند. بنابراین استناد بیانگر

(Eds), Proceedings of the 10th International Conference of the International Society for Scientometrics and Informetrics, Karolinska University Press, Stockholm.

Case, DO, Miller, JB 2011, Do bibliometricians cite differently from other scholars?, Journal of the American Society for Information Science and Technology, Vol.62, No. 3, pp. 421-432.

Cronin, B 1984, The Citation Process: The role and significance of citations in scientific communication, Landon, Taylor Graham.

Garfield, E 1989, Citation & social behavior; Raymond G, McInnis and Dal Sims explore David Riesman The Lonely Crowd, The essays of an information scientist, Vol. 12, pp. 238-9.

Gilbert, GN 1977, Referencing as persuasion. Social Studies of Science, Vol. 7, pp. 113-122.

Haslam, N 2008, What makes an article influential? Predicting impact in social and personality psychology, Scientometrics, Vol.76, No.1, pp. 169-185.

Hooman, H, 2003, Analyses of multivariable data in behavior research, Tehran, Peyke Farhang. [in Persian]

Horri, A, Neshat, N, 2002, Investigated author's citation behavior in Tehran university journal of psychology and behavior science paper's at 1999, Journal of psychology and behavior science, Vol,2.No.32. [in Persian]

Jokar, A, Ebrahimi, S, 2005, The measure of nation's prohibit in citation to Iranian scientific production, Library and information sciences, Vol.4, No.10, pp:213-36[in Persian].

تأثیرات شناختی یا منطقی یک کار علمی است. رهیافت ساختار اجتماعی رفتار استنادی که در حوزه جامعه‌شناسی سازنده‌گرایی علم توسعه یافت، با دیده شک و تردید به پیش‌فرض‌های دیدگاه‌های هنجاری می‌نگرد و اعتبار ارزیابی‌های تحلیل استنادی را مورد سؤال قرار می‌دهد. دانشمندان انگیزه‌های استنادی پیچیده‌ای دارند که بسته به محیط عملی و منطقی و تحت تأثیر مسائل اجتماعی ساختار می‌یابد. با این تفاسیر، یافته‌های این پژوهش مبنی بر وجود رابطه بین عامل سطح رشد اخلاقی با الگوی استناد به مقالات همکاران نویسندگان و قدرت پیش‌بینی این الگوی رفتاری از طریق عامل فوق، به نوعی تأییدی بر نظریه ساختار اجتماعی رفتار استنادی است. به بیان دیگر استناد به مقالات همکاران نویسندگان تحت تأثیر فشارهای اجتماعی تعیین می‌شود و بستر و زمینه‌ای که فرایند استناددهی در آن اتفاق افتاده در این فرایند مؤثر است. این یافته‌ها همچنین به گونه‌ای آشکار نظریه هنجاری رفتار استنادی را که مدعی است استناد صرفاً بیانگر تأثیرات شناختی یا منطقی یک کار علمی است، نقض می‌نماید. با توجه به معنادار بودن ارتباط میان سطح رشد اخلاقی نویسندگان با الگوی استناد به مقالات همکاران، آموزش پرهیز از استفاده از مقالات نویسنده‌ها همکار مقاله تا حد امکان می‌تواند به تقویت شاخص‌های استناد شاخص بیافزاید.

References

Alvani, SM 2003, General Management, Tehran, Ney Press. [In Persian]

Beaver, DB 2004, Does collaborative research have greater epistemic authority? *Scientometrics*, Vol. 60, pp.399-408.

Bornman, L, Daniel, HD 2008, what do citation counts measure? A review of studies on citing behavior, *Journal of Documentation*, Vol.64, No.1, pp.45-80.

Boyack, KW, Klavans, R 2005, Predicting the importance of current papers, in Ingwersen, P. & Larsen, B.

Kohlberg, L, Likona, T, ed, 1976, "Moral Stages and moralization: The cognitive-developmental approach", Moral Development and Behavior, Theory Research and Social Issues, pp. 43-44.

Shadish, WR, Tolliver, D, Gray, M, Sengupta, SK 1995, Author judgments about works they cite-three studies from psychology journals, Social Studies of Science, Vol. 25,pp. 477-498.

Archive of SID

Teaching correct scientific citation in the scientific productions to the top writers of the Iranian Medical Sciences Universities in 2017

Hoseini Abedin^{1*}

Soraya Ziaei²

Faramarz Soheili³

Afshin Mousavi Chalak⁴

¹: Ph.D. Student, Department of Information Science and Knowledge Studies, School of Education and Psychology, Payame Noor University, Tehran, Iran

²: Assistant Professor, Department of Information Science and Knowledge Studies, School of Education and Psychology, Payame Noor University, Tehran, Iran.

³: Associated Professor, Department of Information Science and Knowledge Studies, School of Education and Psychology, Payame Noor University Tehran- Iran.

⁴: Associated Professor, Department of Information Science and Knowledge Studies, School of Education and Psychology, Payame Noor University Tehran- Iran.

Abstract: The purpose of this study was teaching correct scientific citation in the scientific productions to the top writers of the Iranian Medical Sciences Universities in 2017 with regard to the relationship between moral growth and self-control variables with the "Citation to colleagues" model in the articles written by the top authors of Iranian medical universities in 2017. The current scientometrics and correlation study was conducted in the Iranian Medical Sciences Universities in 2017. The population under study in the first part of this research includes all the writers who had an H-index of 10 or more in the scientist database in 2017. The sample size at this stage was 130. The data collected were analyzed by SPSS 16.0. The results showed meaningful relationship between moral growth variable and "Citation to colleagues" model, but self-control variable and related model is not meaningful; moreover, the regression model is significant. The coefficient of determination is equal to 0.236 and F ratio is 16.152 that data showed is significant at $P < 0.001$. According to the results of the current study, the only factor in the level of moral development ($p < 0.001$, $B = -9.031$) is predictive power and self-control variable cannot be used as a predictor of the pattern of citation to colleagues be considered. In other words, part of the citation for writers' papers is influenced by social pressures. Regarding the results of the study, avoiding citing articles from the contributing authors of the article can, as far as possible, lead to strengthening of citation indices.

Keywords: Moral judgment, Self-Control, Citation Behavior.

Corresponding author: Ph.D. Student, Department of Knowledge and Information * Science, Payame Noor University, Tehran, Iran And faculty member, Abadan school of medical sciences, Abadan, Iran.

Email: Hoseini.abed@gmail.com